

## مطالعه کیفی مذهب و قوم‌گرایی در میان گردهای شیعه و سنی

سید حسین سراج‌زاده\*، امید قادرزاده\*\*، جمیل رحمانی\*\*\*

(تاریخ دریافت ۹۴/۰۵/۰۴، تاریخ پذیرش ۹۴/۱۰/۰۹)

**چکیده:** پژوهش حاضر درصدد است با استفاده از رویکرد تفسیرگرایی اجتماعی به مطالعه‌ی رابطه‌ی قوم‌گرایی و مذهب در میان گردهای ایران بپردازد. روش شناسی پژوهش، کیفی است و داده‌های کیفی در این مطالعه با استفاده از تکنیک مصاحبه عمیق گردآوری شدند. برای تجزیه و تحلیل یافته‌ها از روش نظریه زمینه‌ای استفاده شده است. بر اساس روش نمونه‌گیری کیفی/ هدفمند و معیار اشباع نظری ۳۱ نفر از گردهای شیعه و سنی ساکن شهرستان‌های مختلف استان کرمانشاه در این مطالعه شرکت کردند و درک و تفسیر آن‌ها نسبت به پدیده‌ی قوم‌گرایی و ارتباط آن با مذهب مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفت. داده‌های گردآوری شده در قالب ۵۳ مفهوم اساسی، ۱۴ مقوله عمده و نهایتاً دو مقوله هسته کدگذاری و تحلیل شدند. برای گردهای سنی ۲۸ مفهوم به دست آمد که به ۷ مقوله اصلی شامل، هویت یکپارچه گُردی، نارضایتی از دولت، تلقی سکولار از دین، ارجحیت قومیت بر مذهب، بیگانگی با هویت ایرانی، حق تعیین سرنوشت و نقش نخبگان قومی تقلیل یافته و یک مقوله هسته تحت عنوان «ناسیونالیسم گُردی سکولار» برای آن تعیین شده است.

serajsh@yahoo.com

ogh1355@gmail.com

rahmani668@yahoo.com

\*. دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه خوارزمی (نویسنده مسئول)

\*\* دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه کردستان

\*\*\* کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی دانشگاه خوارزمی

مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره پانزدهم، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۳، ص ۳-۲۹

همچنین برای کردهای شیعه ۲۵ مفهوم به‌دست آمد که به ۷ مقوله اصلی شامل، هویت قومی کردی، هویت ملی ایرانی، نارضایتی از دولت، سازگاری مذهب و قومیت، تاکید بر حقوق فرهنگی قوم کرد، تلقی سکولار از دین و فقدان آگاهی تاریخی تقلیل یافته و یک مقوله هسته تحت عنوان «قوم‌گرایی فرهنگی» برای آن تعیین شد. مقایسه مقولات به‌دست آمده از دو گروه مصاحبه شوندهگان سنی و شیعه نشان می‌دهد که در مورد دو مقوله «نارضایتی از دولت» و «تلقی سکولار از دین» دارای تشابه هستند و در سایر موارد همچون طرز تلقی نسبت به هویت کردی، هویت ایرانی و رابطه‌ی مذهب و قومیت دارای تفاوت‌های اساسی می‌باشند.

**مفاهیم کلیدی:** کردهای شیعه، کردهای سنی، قوم‌گرایی، مذهب، ناسیونالیسم.

### بیان مسئله

جامعه ایران متشکل از اقوام مختلفی است که هر کدام از این قوم‌ها دارای تفاوت‌های فرهنگی-زبانی با سایرین است. حدود پنجاه درصد جامعه ایران را فارس‌ها تشکیل می‌دهند و بقیه شامل اقوام دیگری مانند آذری، کرد، بلوچ، ترکمن و عرب می‌باشد (مقصودی، ۱۳۸۰: ۱۶).

همزمان با تشکیل دولت مدرن در ایران (در اوایل قرن بیستم) که در پی ایجاد هویت ملی یک‌پارچه بود، تفاوت‌های فرهنگی-زبانی اقوام در قالب انواع مختلف قوم‌گرایی و گرایش‌های استقلال طلبانه قومی به صورت واکنشی در برابر سیاست‌های همگون‌سازانه دولت مرکزی بروز پیدا کرد (اشرف، ۱۳۷۳).

کردها از جمله اقوام ایرانی هستند که گرایش‌های قوم‌گرایانه و جنبش قومی در میان آن‌ها خصلتی پایدار و فعال داشته است (احمدی، ۱۳۷۸). تاسیس جمهوری خودمختار کردستان در مهاباد (۱۳۲۴)، درگیری احزاب سیاسی کردی با دولت مرکزی در جریان انقلاب اسلامی (۱۳۵۷) و طرح مطالبات قومی از سوی مردم کرد در سال‌های اخیر در قالب تجمعات و اعتراضات خیابانی در شهرهای مختلف کردستان از جمله نمونه‌های بارز ناسیونالیسم قومی در میان کردهای ایران به شمار می‌آید.

با استقرار جمهوری اسلامی آموزه‌های مبتنی بر فقه شیعی به یکی از بنیادهای نظام سیاسی جدید در ایران تبدیل شد. مسئله شیعه و سنی که برای چندین دهه به حاشیه‌های سیاست در ایران رانده شده بود، بار دیگر به عنوان یک مسئله سیاسی و فرهنگی و هویتی مطرح شد (احمدی، ۱۳۸۸: ۳۳۸). بنابراین مطالبات اقوام در ایران و مخصوصاً در کردستان که توسط احزاب و جریان‌های سیاسی نمایندگی می‌شد، با مسئله مذهب نیز به نوعی آمیخته شد. با توجه به این‌که قریب به نیمی

از جمعیت کردستان<sup>۱</sup> را اهل تسنن تشکیل می‌دهد و همچنین عمده فعالیت‌های جریان‌های سیاسی کرد در مناطق سنی نشین انجام گرفته است، این مسئله اهمیتی به خصوص پیدا کرده است. از طرفی دیگر در چند دهه گذشته پدیده جهانی شدن که همراه با گسترش ارتباطات، انقلاب تکنولوژی اطلاعات، تغییر شکل سرمایه‌داری، کاهش نقش دولت‌های ملی و خیزش و تظاهرات نیرومند هویت‌های جمعی بوده است مذهب و ناسیونالیسم را به منابع اصلی هویت سازی در جهان کنونی تبدیل کرده است (کاستلز، ۱۳۸۰: ۱۷). بنابراین می‌توان گفت میان مذهب و ناسیونالیسم در وضعیت کنونی در جوامع مختلف نسبت‌های جدیدی ایجاد شده است که قابل مطالعه می‌باشد.

جامعه کردهای ایران اگرچه به لحاظ تاریخی و زبانی دارای وجوه مشترک فراوانی می‌باشد اما به مانند هر جامعه دیگری دارای تمایزها و تفاوت‌هایی در درون خود نیز هست. یکی از این جنبه‌ها که از قضا در ایران امروز (از نظر سیاسی و فرهنگی) مهم به شمار می‌آید تفاوت‌های مذهبی است. دین اکثریت کردها اسلام است و با توجه به این که دین اسلام دارای دو مذهب شیعه و سنی است و این دو از نظر اجتماعی و سیاسی دارای تفاوت‌ها و اختلافات تاریخی مشخصی هستند لذا پرداختن به رابطه مذهب و ناسیونالیسم قومی در میان کردهای ایران باید با در نظر گرفتن این تقسیم‌بندی باشد.

بنابراین پژوهش حاضر درصدد است با استفاده از رویکرد تفسیرگرایانه به بررسی ابعاد، دلالت‌ها و پیامدهای معنایی مذهب برای ناسیونالیسم قومی در میان کردهای شیعه و سنی استان کرمانشاه (به عنوان یکی از استان‌های کردنشین ایران) بپردازد و تفاوت‌ها و تشابهات میان کردهای شیعه و سنی را در این باره مشخص سازد.

### پیشینه تجربی پژوهش

درباره موضوع ناسیونالیسم کردی در داخل و خارج از کشور پژوهش‌های متعددی انجام گرفته است که به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود. جلالی‌پور (۱۳۷۲) درباره علل تداوم بحران کردستان معتقد است که پنج عامل: همبستگی کردی، احزاب سیاسی، موقعیت برون‌مرزی، جغرافیای سیاسی کردستان و سیاست ویژه امنیتی دولت سبب تداوم جنبش قومی در کردستان شده‌اند.

سراج‌زاده و ادهمی (۱۳۸۷) در یک تحقیق کمی به بررسی تفاوت‌های قومیتی دانشجویان از نظر فعالیت در کانون‌های فرهنگی دانشگاه‌ها پرداخته‌اند. از جمله نتایج این تحقیق میزان عضویت و مشارکت پایین دانشجویان کرد در تشکل‌های مذهبی و بسیج دانشجویی می‌باشد. محققان معتقدند که مشارکت پایین دانشجویان کرد در تشکل‌های مذهبی و بسیج دانشجویی را می‌توان با

۱. منظور از کردستان در این نوشتار تمام مناطق کردنشین در غرب ایران می‌باشد که شامل استان‌های ایلام، کرمانشاه، کردستان و آذربایجان غربی است.

تفاوت‌های مذهبی و سیاسی کردها تبیین نمود. تحقیق دیگری (سراج زاده و همکاران، ۱۳۹۲) که در یک جمعیت دانشجویی انجام شد نشان داد که در مقایسه با سایر اقوام، کردها کمترین اعتماد بین قومی و بیشترین احساس تبعیض قومی را ابراز داشته‌اند. این تحقیق نشان داد که مذهب پاسخگویان با اعتماد بین قومی رابطه دارد و پاسخ‌گویان سنی مذهب که اغلب کرد زبان بودند نسبت به افراد شیعه مذهب که در اکثریت هستند، از اعتماد بین قومی پایین‌تری برخوردارند. می‌توان گفت همراهی تفاوت قومی و مذهبی اعتماد بین قومی را تضعیف کرده است. قادرزاده (۱۳۸۸) نیز در پژوهشی که به روش چندگانه (پیمایشی، اسنادی و تحلیل ثانویه) در ارتباط با ترجیحات هویتی کردها انجام داده است به این نتیجه رسیده که: هویت قومی در صدر تعلقات و ترجیحات هویتی کردها جای دارد و هویت‌های جهانی و ملی رده‌های دوم و سوم را به خود اختصاص می‌دهند. محمدزاده (۱۳۹۰) هم با روش پیمایش به بررسی انواع قوم‌گرایی در میان کردهای ایران پرداخته و نشان داده که قوم‌گرایی در میان کردهای ایران با عواملی همچون گویش فرد، مذهب و نوع احساس تبعیض در ارتباط است. در مورد رابطه مذهب و قوم‌گرایی نتایج پژوهش حاکی از آن است که قوم‌گرایی در میان کردهای شیعه کمتر از کردهای سنی و یارسان است.

انتصار (۱۹۹۲) در کتابی تحت عنوان ناسیونالیسم قومی کرد<sup>۱</sup> تلاش کرده است تا ناسیونالیسم قومی در کردستان را حول مطالبه خودمختاری به عنوان اصلی‌ترین خواست جنبش‌های کردی تبیین نماید. وی معتقد است ناسیونالیسم کردی در ایران متأثر از عواملی همچون زبان، مذهب و حاشیه‌ای بودن مناطق کردنشین از نظر اقتصادی و سیاسی است. وی در ارتباط با پر رنگ‌تر شدن نقش مذهب پس از انقلاب ۱۳۵۷ می‌نویسد: «برخلاف دیدگاه‌های سیاسی، مذهب نقش مهمی در پیچیده‌تر کردن رابطه کردها (که اکثراً سنی بودند) و رهبران شیعه در تهران و قم بازی کرد. در حالی که در زمان حاکمیت شاه به طور کلی مذهب به عنوان ویژگی هویت بخش کردی به حساب نمی‌آمد اما پس از انقلاب نشانه‌هایی از آگاهی مذهبی در میان کردها و همچنین فارس‌ها پدیدار شد» (انتصار، ۱۹۹۲: ۴۵).

ولی (۲۰۰۵) در مقاله‌ای تحقیقی به بررسی هویت کردی و ارتباط آن با ملت- دولت مدرن پرداخته است. به نظر وی هویت ملی کردی محصول مدرنیته است و به شیوه‌ای خاص وابسته به نهاد دولت مدرن است. ولی ریشه هویت کردی را به کردار سیاسی و فرهنگی تأسیس ملت- دولت مدرن در جوامع چند فرهنگی ترکیه، ایران، عراق و سوریه برمی‌گرداند. او بر این باور است که هویت کردی به دلیل تقسیم کردستان و تلاش دولت‌های حاکم در کردستان برای انکار این هویت،

## 1. Kurdish Ethnonationalism

«چندپاره‌گی» و همچنین «دیالکتیک انکار و مقاومت در برابر دیگری» به ویژگی‌های اصلی این هویت تبدیل شده‌اند.

وریا<sup>۱</sup> (۲۰۰۵) در پژوهشی با رویکرد جامعه‌شناسی تاریخی به بررسی پدیده ناسیونالیسم کردی در تبعید پرداخته است. وی معتقد است رابطه مذهب و ناسیونالیسم در کردستان تا به حال دو مرحله اساسی را در تاریخ خود داشته است. ابتدا به زمانی برمی‌گردد که شخصیت‌های مذهبی کرد رهبری جنبش ناسیونالیستی کرد را در دست داشته‌اند و از حمایت نهادهای مذهبی در جامعه کردستان برخوردار بودند و مرحله دوم بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران آغاز می‌شود که حضور مذهب در جنبش کردی از سطح رهبران و حالت نمادین به بخش مستقلی در درون جنبش تبدیل می‌شود و سطوح مختلف مشارکت را در بر می‌گیرد.

با مرور مطالعات انجام شده در این زمینه مشخص می‌شود اکثر پژوهش‌های یاد شده با روش کتابخانه‌ای انجام گرفته‌اند و عمدتاً بر بُعد سیاسی جنبش ناسیونالیسم کردی تاکید کرده‌اند. در حالی که ناسیونالیسم گفتمانی است که می‌تواند به منبعی برای هویت یابی و همچنین تفسیر جهان برای انسان‌های عادی جامعه نیز بدل شود؛ لذا لازم است برای درک هر چه بیشتر این پدیده به دیدگاه‌های افراد و کنشگرانی که حامل این گفتمان به شمار می‌آیند نیز رجوع کرد، چرا که این افراد در خلال زندگی روزمره‌شان به تولید و بازتولید این گفتمان می‌پردازند. به علاوه، مذهب که یکی از منابع مهم هویت‌یابی و ارائه دهنده نظام‌های معنایی است، در مناسبات و تعارضات قومی در ایران هم نقش مهمی دارد؛ و از این رو ضروری است در مطالعه پویای قومی در ایران مورد مطالعه قرار گیرد.

### رویکردهای نظری

با توجه به این‌که رویکرد غالب در تحقیق حاضر از نوع تفسیری و روش مورد استفاده برای تحلیل داده‌ها از نوع روش‌های کیفی است که در جهت درک تفاسیر و معانی درونی کنش‌های معنادار افراد به کار می‌رود، تلاش می‌شود چارچوبی از پیش تعیین شده بر واقعیت اجتماعی مورد مطالعه تحمیل نشود و از نظریه‌ها به عنوان راهنمای نظری جهت تفسیر و تبیین بیشتر ابعاد موضوع مورد مطالعه یا به عبارت دیگر ارتقای حساسیت نظری (استراوس و کوربین، ۱۳۹۰) استفاده شود. در ادامه برخی از مهم‌ترین نظریه‌های مرتبط با اهداف تحقیق مرور می‌شوند.

ارتباط میان مذهب و ناسیونالیسم دیر زمانی است که توجه متفکرین و اندیشمندان حوزه ناسیونالیسم را به خود جلب کرده است. دیدگاه‌های مرتبط درباره رابطه این دو مقوله را در متون جامعه‌شناسی می‌توان به دو گروه تقسیم بندی کرد.

بر اساس تئوری‌های مدرنیستی همزمان با رشد و گسترش مدرنیسم، دین به حاشیه می‌رود و ناسیونالیسم جایگزین آن خواهد شد. به این ترتیب ناسیونالیسم به آلترناتیو دین بدل خواهد شد و کارکردهایی که دین در حفظ همبستگی اجتماعی در دوره ماقبل مدرن ایفا کرده است را ناسیونالیسم در دوره مدرن به عهده می‌گیرد. گلنر (۱۹۹۳) و اندرسون (۱۳۹۳) از جمله نظریه‌پردازانی هستند که چنین ادعایی را مطرح کرده‌اند. به عقیده این متفکران، فرایند نوگرایی (مدرنیزاسیون) اجتماعی و همچنین ظهور ناسیونالیسم همراه با زوال گروه‌های دینی سنتی و فراملی است. از این منظر، گلنر دین را متعلق به دوره فئودالی دانسته و ناسیونالیسم را محصول جامعه صنعتی به حساب می‌آورد. گلنر بر این باور است که ظهور ناسیونالیسم وابسته است به نیازهای جامعه مدرن به فرهنگی جدید که بتواند همبستگی اجتماعی و همسانی فرهنگی این جوامع را امکان‌پذیر سازد. به این ترتیب ناسیونالیسم یکی از ضرورت‌های جامعه مدرن است و فرهنگ مدرن هم بیرون از مرزهای دینی شکل می‌گیرد و در تضاد با آرمان‌های دینی عمل می‌کند.

اندرسون هم بر این باور است که آرمان‌های ناسیونالیستی پس از زوال آرمان‌های دینی ظهور می‌یابند و ملت جامعه‌ای تخیلی (تصوری) است که تنها در تصور انسان‌ها وجود دارد (اندرسون، ۱۳۹۳). به نظر وی به وجود آمدن این «جماعت‌های تصوری»<sup>۱</sup> بدون ایجاد تحولات ریشه‌ای در ذهن بشر غیر ممکن بود. این تحولات که اندرسون در کتاب «جماعت‌های تصوری» از آن بحث می‌کند، به زعم وی سبب نابودی آرمان‌ها و تصورات دینی و نهایتاً آرمان‌های گروه‌های مذهبی که شخصیت‌های فراملی و انترناسیونال داشته‌اند می‌شود. در واقع اندرسون ناسیونالیسم را به عنوان آلترناتیو دین در عصر مدرن می‌داند (وریا، ۲۰۰۵: ۱۴۳-۱۴۱).

اما فیر<sup>۲</sup> (۱۹۹۵) در نقد گلنر و اندرسون نشان می‌دهد که این نگاه مدرنیستی که تاثیر دین را در ارتباط با ناسیونالیسم نادیده می‌گیرد، فاقد پایه و اساس تاریخی است. به نظر وی بین دین و ناسیونالیسم ارتباطی مهم، عمیق و همه جانبه وجود دارد به طوری که به سختی می‌توان جنبشی ناسیونالیستی پیدا کرد که ارتباط مشخصی با دین نداشته باشد. وی معتقد است دین در اکثر جنبش‌های ناسیونالیستی حاضر است. فیر تجربه ناسیونالیسم هلندی را به عنوان نمونه واضحی از رابطه دین و ناسیونالیسم بر می‌شمرد، وی معتقد است در تجربه هلند ناسیونالیسم، دین را حذف نمی‌کند بلکه از نو آن را تفسیر می‌کند و معنایی ملی به آن می‌بخشد، ناسیونالیسم دین را بومی نموده

1. Imagined communities  
2. Peter van der veer

و معانی جهان شمول آن را ملی می‌کند. به نظر او برخلاف آنچه که مدرنیست‌ها ادعا می‌کنند، مسیحیت در قرون هیجده و نوزده به حاشیه نرفته است و ناسیونالیسم جایگزین آن نشده است، آنچه اتفاق افتاده این است که مسیحیت در قالب پروتستان‌تیسیم شکلی بومی و ملی به خود گرفته است. وی می‌نویسد: «بخشی از رقابت میان گروه‌های دینی در اروپا و آمریکا بر سر این بوده است که کدام گروه می‌تواند به بهترین نحو ممکن نمایندگی ناسیونالیسم را به عهده بگیرد. می‌توان در این‌جا از نوعی ناسیونالیسم دینی سخن به میان آورد که ایمان به خدا و ایمان به سرزمین درهم تنیده‌اند» (فیر، به نقل از وریا، ۲۰۰۵: ۱۴۳).

آنتونی اسمیت (۱۳۸۳) نیز به عنوان یکی از نظریه پردازان نمادگرایی قومی، معتقد است برای درک چرایی تداوم هویت‌های ملی و استمرار ملت باید به مطالعه و بررسی بنیادهای مقدس ملت پرداخت. وی براین باور است که اگرچه ما اکنون و حداقل در غرب در یک عصر سکولار (عرفی) زندگی می‌کنیم؛ یعنی عصری که ارزش‌ها و ترجیحات مادی، جایگزین مفهوم امر مقدس و اعتقادات کهن به ارزش‌های استعلایی شده‌اند، اما حتی در خود غرب، مبانی مقدس ملت کاملاً زایل نشده‌اند. هر چند عقل‌گرایی سکولار، آن‌ها را به چالش کشیده است و آن‌ها را واداشته تا با تغییرات اجتماعی و سیاسی همساز شوند. اما «مذهب سیاسی» ناسیونالیسم سکولار همچنان برای مراسم، نماد و اسطوره سازی خود به مضامین مذهبی قدیمی‌تر متوسل می‌شود، درعین حال خود را به عنوان تنها درام رستگاری در عصر عقل‌باوری معرفی می‌کند. اسمیت معتقد است که چهار مقوله‌ی اصلی ملت-اجتماع، سرزمین، تاریخ و سرنوشت-در گذشته مقدس بوده‌اند و همچنان مقدس خواهند ماند. به این معنا که از سوی اعضا به عنوان موضوعاتی قابل احترام و مورد علاقه و به عنوان غایاتی فی‌نفسه تلقی خواهند شد. بنابراین ملت به عنوان اجتماع مقدسی از شهروندان، و ناسیونالیسم به عنوان شکلی از مذهب سیاسی با کتب مقدس، نمازها، سنت‌ها و مناسک خاص خودش تلقی می‌شود (اسمیت، ۱۳۸۳: ۱۸۹-۱۸۴).

### روش تحقیق

با توجه به این‌که هدف اصلی این پژوهش درک ابعاد، دلالت‌ها و پیامدهای معنایی مذهب برای ناسیونالیسم‌قومی در میان گردهای شیعه و سنی می‌باشد، از رویکرد روش‌شناختی کیفی و روش نظریه‌زمینه‌ای جهت تحلیل داده‌ها استفاده شد. نظریه‌زمینه‌ای یکی از بنیادی‌ترین کشف‌های روش‌شناختی در علوم اجتماعی است که می‌تواند به تولید معرفت متقن و باورپذیر منتهی گردد (اشتراوس و کوربین، ۱۳۹۱؛ ایمان، ۱۳۹۲).

در این روش به مانند همه روش‌های کیفی از راهبرد نمونه‌گیری هدفمند استفاده می‌شود. قدرت نمونه‌گیری هدفمند در انتخاب نمونه‌ای غنی از لحاظ اطلاعات برای مطالعه عمیق است

(استراوس و کوربین، ۱۳۹۰: ۱۷۶). در تحقیق حاضر از دو شیوه نمونه‌گیری نظری و نمونه‌گیری با حداکثر تنوع که هر دو از جمله شیوه‌های نمونه‌گیری هدفمند می‌باشند استفاده شده است. همچنین روش نمونه‌گیری با حداکثر تنوع جهت انتخاب مشارکت‌شوندگان به کار گرفته شد تا با استفاده از آن حداکثر تنوع موجود در میدان تحقیق در نظر گرفته شود. از این شیوه جهت گزینش مصاحبه‌شوندگان گرد شیعه و سنی ساکن شهرستان‌های استان کرمانشاه با ویژگی‌های متفاوت (از لحاظ جنسیت، وضعیت تحصیلی و پایگاه اقتصادی-اجتماعی) استفاده شد. مشخصات مشارکت‌کنندگان در این پژوهش در جدول (۱) آمده است. با توجه به معیار اشباع نظری، تعداد مصاحبه‌شوندگان در این تحقیق در مجموع ۳۱ نفر شد که شامل ۱۵ نفر گرد سنی و ۱۶ نفر گرد شیعه بودند.

جدول (۱): مشخصات مشارکت‌کنندگان

مشارکت‌کنندگان گرد شیعه					مشارکت‌کنندگان گرد سنی				
کد	جنسیت	سن	شغل	تحصیلات	کد	جنسیت	سن	شغل	تحصیلات
۱	مرد	۳۵	معلم	کارشناسی ارشد	۱۶	زن	۳۰	دانشجو	دکتری
۲	مرد	۲۸	دانشجو	کارشناسی ارشد	۱۷	زن	۲۶	دانشجو	کارشناسی ارشد
۳	زن	۲۵	دانشجو	کارشناسی ارشد	۱۸	مرد	۲۵	دانشجو	کارشناسی ارشد
۴	مرد	۴۰	بیکار	کارشناسی	۱۹	مرد	۲۶	دانشجو	کارشناسی ارشد
۵	مرد	۳۱	کارمند	کارشناسی	۲۰	زن	۲۵	دانشجو	کارشناسی ارشد
۶	زن	۳۳	بیکار	کاردانی	۲۱	زن	۲۵	دانشجو	کارشناسی ارشد
۷	مرد	۳۶	آزاد	دیپلم	۲۲	زن	۲۷	کارمند	کارشناسی
۸	مرد	۴۸	آزاد	دیپلم	۲۳	زن	۲۶	بیکار	کارشناسی
۹	مرد	۵۰	آزاد	دیپلم	۲۴	مرد	۲۸	کارمند	کارشناسی
۱۰	زن	۳۲	خانه دار	دیپلم	۲۵	زن	۲۷	خانه دار	کارشناسی
۱۱	مرد	۲۵	سرباز	دیپلم	۲۶	مرد	۳۳	کارمند	کارشناسی
۱۲	زن	۴۰	کارمند	دیپلم	۲۷	مرد	۳۰	آزاد	دیپلم
۱۳	زن	۲۷	خانه دار	دیپلم	۲۸	مرد	۲۶	آزاد	دیپلم
۱۴	مرد	۴۲	آزاد	سیکل	۲۹	مرد	۳۵	آزاد	دیپلم
۱۵	زن	۳۰	خانه دار	سیکل	۳۰	مرد	۳۴	آزاد	دیپلم
					۳۱	مرد	۲۸	آزاد	دیپلم



برای تحلیل داده‌ها مطابق با سبک نظریهٔ زمینه‌ای از کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری گزینشی استفاده شد. در کدگذاری باز سطح اول - به صورت سطر به سطر - به هر یک از سطرها مفهوم یا کدی الصاق شد. در این مرحله ۵۳ مفهوم به دست آمد که ۲۸ مفهوم مربوط به کردهای سنی می‌باشد و ۲۵ مفهوم نیز مربوط به کردهای شیعه. در کدگذاری باز سطح دوم با تعیین و مرتب کردن مفاهیم، کدهای مشابه و مشترک در قالب یک مقولهٔ واحد، مفاهیم به دست آمده به ۱۴ مقوله تقلیل پیدا کردند که ۷ مقوله مربوط به کردهای سنی و ۷ مقوله مربوط به کردهای شیعه بودند. پس از کدگذاری باز نوبت به کدگذاری محوری می‌رسد که در این مرحله مقوله‌ها به صورت یک شبکه با هم در ارتباط قرار می‌گیرند و همچنین مقوله هسته معرفی می‌شود.

### یافته‌ها

همان‌طور که در مقدمه اشاره شد، در این پژوهش سعی شده است تا تفاوت‌ها و تشابهات درک و تفسیر کردهای شیعه و سنی در ارتباط با ناسیونالیسم‌قومی مطالعه شود، لذا یافته‌های حاصله به تفکیک مذهب ارائه می‌شود. مفاهیم اولیه، مقولات و مقوله‌های هسته در جداول (۲) و (۳) آمده است.

### مقوله‌های ساخته شده از یافته‌های تحقیق (کردهای اهل تسنن)

جدول (۲): مفاهیم اولیه تحقیق، مقولات عمده و مقوله هسته - کردهای اهل تسنن

مقوله هسته	مقوله	مفهوم
ناسیونالیسم کردی سکولار	هویت یک‌پارچه کردی	زبان کردی، تجربه رنج مشترک، فرهنگ کردی، اصالت، دیالکتیک مقاومت و انکار
	تلقی سکولار از دین	پذیرش وجه عقلانی مذهب، مذهب عامل هدفمندی در زندگی شخصی، تعالی بخش بودن مذهب، تفسیر فردی از مذهب، جدایی دین از حکومت
	حق تعیین سرنوشت	موافق استقلال کردستان، استقلال عامل رسمیت بخشی، استقلال به عنوان یک حق طبیعی
	نارضایتی از حکومت	عدم رضایت از عملکرد اقتصادی دولت، دولت عامل اختلاف میان شیعه و سنی در کردستان، سرکوب فرهنگ و زبان کردی توسط دولت
	بیگانگی با هویت ایرانی	ارجحیت کرد بودن بر ایرانی بودن، عدم احساس تعلق به ایران، عدم احساس تعلق به زبان فارسی، اهمیت نداشتن حفظ تمامیت ارضی ایران، کردستان بزرگ به عنوان وطن
	ارجحیت قومیت بر مذهب	اصالت قومیت نسبت به مذهب، مذهب عامل تفرقه میان کردها، ارجحیت قومیت بر مذهب
	نقش نخبگان قومی	تائید اهداف احزاب کردی، احزاب عامل گسترش مبارزه، نقش مثبت احزاب در گذشته، اهمیت شخصیت‌های سیاسی و ادبی در تاریخ کرد

## ۱. هویت یکپارچه کُردی

از نظر ناسیونالیست‌ها، هر ملتی دارای فرهنگ تاریخی مشخص، روشن، منفرد و خاص برای تفکر، کنش و برقراری ارتباط است که همه اعضا (حداقل به طور بالقوه) در آن سهیم هستند و افراد غیر عضو نمی‌توانند در آن سهیم باشند (اسمیت، ۱۳۸۳: ۴۴)؛ و این ویژگی‌ها برای اعضای ملت، مرزهای نمادینی را به وجود می‌آورد تا به وسیله‌ی آن تشابهات میان اعضا و تفاوت‌هایشان با دیگران را مشخص کنند. مشارکت‌کنندگان کُرد سنی حاضر در این پژوهش هویت کُردی خود را این‌گونه تعریف می‌کنند:

«اولا این که کُرد بودن برای من امری اختیاری نبوده و ثانيا چیزهایی مانند زبان، فرهنگ و رسوم است که کُرد بودن را برایم معنا می‌کند. نهایتا به نظرم زبان مهم‌ترین چیز است که یک کُرد را از غیر کُرد جدا می‌کند» (مرد، بیکار).  
«معنای کُرد بودن برای من رنج است، چیزی که یک کُرد را از غیر کُرد جدا می‌کند رنج است. در هر جایی از جهان که بوده‌ایم به ما ظلم شده و رنجی که از این ظلم‌ها کشیده‌ایم وجه اشتراک همه‌ی ماست» (زن، دانشجو).  
«اگرچه من به صورت تصادفی کُرد به دنیا آمده‌ام، اما به کُرد بودنم افتخار می‌کنم چون تاریخی که در دو قرن گذشته داریم به عنوان کُرد، تاریخ مبارزه با ظلم و مقاومت در برابر ظالم بوده» (مرد، دانشجو).

بر اساس مفاهیم استخراج شده از گفته‌های مصاحبه‌شوندگان می‌توان گفت که عناصر تشکیل دهنده هویت کُردی از یکسو دارای ریشه‌های قومی قدیمی همچون زبان، اصالت و فرهنگ کُردی است که از نظر آن‌ها غیرقابل تغییر و ازلی است و از سوی دیگر مولفه‌هایی همچون تجربه رنج مشترک و مقاومت در برابر انکار دیگری است که حاصل مبارزات سیاسی کُردها در طول یک قرن گذشته در برابر دولت‌های مرکزی بروز است.

در نهایت از گفته‌های مصاحبه‌شوندگان می‌توان چنین استنباط نمود که آن‌ها قائل به یک هویت واحد کُردی هستند که هم ریشه در گذشته فرهنگی کُردها دارد و هم حاصل مبارزه با دیگری غیر کُرد است که می‌توان آن را به عنوان یکی از پایه‌های اصلی ایدئولوژی ناسیونالیسم قومی در کردستان به حساب آورد.

## ۲. بیگانگی با هویت ایرانی

هویت جمعی که هویت قومی و ملی را نیز دربرمی‌گیرد در واقع به معنای درک ما از این مطلب است که چه کسی هستیم، درک چه کسی بودن نیز همواره با این واقعیت همراه است که دیگران کیستند، بنابراین هویت همواره در ارتباط با دیگری شکل می‌گیرد و متکی به تفاوت و شباهت «ما» و «آن‌ها» است. ناسیونالیسم نیز یکی از انواع گفتمان‌هایی است که در جهت شکل دادن و تثبیت

هویت قومی یا ملی در جوامع مختلف عمل می‌کند، در جوامع چند قومی، زمانی که ناسیونالیسم‌های قومی رشد می‌کنند، تبدیل به مانعی اساسی در برابر گفت‌وگوهای ناسیونالیستی حاکم (ملی) می‌شوند چراکه تعریف‌هایی که ناسیونالیسم قومی از «خود» و «دیگری» ارائه می‌دهد در تضاد با تعاریف ناسیونالیسم حاکم (ملی) قرار می‌گیرد. ناسیونالیسم کردی در ایران به عنوان یکی از انواع ناسیونالیسم‌های قومی در پی اثبات هویت کردی است و با توجه به این‌که بخشی از پروسه شکل‌گیری هویت کردی به کردار سیاسی و فرهنگی نهاد ملت- دولت مدرن و هویت ملی در جامعه متکثر چند قومی و چند فرهنگی ایران در ارتباط است، بررسی درک و تفسیر کردها از ایرانی بودن جهت درک هویت کردی و ارتباط آن با ناسیونالیسم کردی در ایران برای پژوهش حاضر ضروری می‌باشد. یکی از مصاحبه‌شوندگان در مورد تعریفی که از وطن دارد چنین می‌گوید:

«وطن برای من جایی است که خاک آبا و اجدادیمان است، یعنی کردستان» (زن، خانه‌دار).

یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان در مورد نسبت هویت کردی و ایرانی با یکدیگر بر این عقیده است که:

«خواسته‌اند به وسیله هویت ایرانی ما را دچار فراموشی کنند که کرد بودن‌مان را از ما بگیرند، کرد بودن و ایرانی بودن دو چیز کاملاً متفاوت است» (مرد، بیکار).

به نظر اکثر پژوهشگران حوزه هویت در ایران مولفه‌هایی همچون سرزمین ایران، زبان فارسی و دین اسلام (مذهب تشیع) رکن‌های اصلی هویت ایرانی به شمار می‌آیند (احمدی، ۱۳۸۸: ۳۸۱).

برای مثال در مورد زبان فارسی که همواره به عنوان یکی از مهم‌ترین رکن‌های هویت ایرانی به شمار می‌آید، یکی از مصاحبه‌شوندگان چنین می‌گوید:

«استفاده از زبان فارسی برایم از سر اجبار است، به هر حال در مدارس و ادارات و برای انجام خیلی از کارها مجبوریم از آن استفاده کنیم وگرنه احساس تعلق به این زبان ندارم» (مرد، کارمند).

حال با توجه به گفته‌های مصاحبه‌شوندگان کرد سنی در تحقیق حاضر و مفاهیمی که از این مصاحبه‌ها در ارتباط با معنای ایرانی بودن استخراج شده است، می‌توان گفت که هیچ کدام از مؤلفه‌های اصلی ایرانی بودن که در آرای پژوهشگران ایرانی به عنوان مؤلفه‌های اصلی هویت ایرانی بر آن‌ها تاکید شده است، از گفته‌های مشارکت‌کنندگان در تحقیق حاضر قابل استخراج نیست.

### ۳. نارضایتی از دولت

در مورد رابطه ناسیونالیسم و دولت و نقشی که دولت می‌تواند به عنوان عاملی مهم در شکل‌گیری جنبش‌های ناسیونالیستی ایفا کند، نظریه‌ها و بحث‌های مختلفی وجود دارد. دولت‌ها به عنوان سیاست‌گذار و مجری طرح‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی از میزان قابل توجهی از قدرت

برخوردارند که می‌توانند در جوامع چندقومی از این توان برای کاهش تضادهای قومی و افزایش همبستگی ملی و یا در جهت عکس آن یعنی افزایش شکاف میان اقوام مختلف و تضعیف همبستگی ملی استفاده کنند.

«دولت‌های مرکزی در ایران همیشه به اقوام و اقلیت‌ها ظلم کرده‌اند و هیچ تاثیر مثبتی در زندگی این مردم نداشته‌اند، وقتی وضعیت کردستان با مناطق مرکزی و فارس‌نشین مقایسه می‌کنی خیلی راحت میشه فهمید که دولت در قبال مردم کرد چقدر کم‌کاری کرده، مسائل و مشکلات ما در خیلی از زمینه‌ها بیشتر از بقیه است و تقصیر عمده‌اش بر گردن دولته» (مرد، کارمند).

«من از این وضعیت کاملا ناراضی‌ام، از عملکرد دولت در کردستان اصلا رضایت ندارم. چرا زبان کردی در مدارس تدریس نمیشه؟ چرا منطقه ما از نظر اقتصادی ضعیفه و جوانان ما بیکارند، چرا ما باید کاملا وابسته باشیم به اون‌ها؟ دولت ما را بیگانه به حساب میاره» (مرد، شغل آزاد).

براساس گفته‌های مشارکت‌کنندگان کرد سنی، عملکردهای دولت در حوزه‌های فرهنگ و اقتصاد به گونه‌ای بوده است که قادر به پاسخ‌گویی به خواست‌های مردم کرد نیست و این اقدامات سبب افزایش ناراضی‌آنی آن‌ها از دولت شده است. لذا می‌توان چنین استنباط کرد که کردهای سنی احساس می‌کنند که از سوی دولت مرکزی مورد تبعیض قرار گرفته‌اند و همین مسئله از یک طرف باعث تقویت حس قوم‌گرایی در میان کردها گردیده و از طرف دیگر سبب افزایش شکاف میان کردها و دولت مرکزی شده است.

#### ۴. نقش نخبگان قومی

نقش نخبگان قومی و تاثیر آن‌ها در شکل دادن و استفاده از نمادهای قومی و بسیج سیاسی گروه‌های قومی، اغلب از سوی نظریه پردازان ناسیونالیسم مد نظر قرار گرفته است. پل براس (۱۹۷۹) و اریک هابسباوم (۱۹۸۳) از جمله این نظریه‌پردازان هستند که به اهمیت نقش نخبگان قومی در سیاسی کردن عناصر فرهنگی قومی به طور جدی‌تر از سایرین پرداخته‌اند. پل براس معتقد است نخبگان قومی با استفاده از بازخوانی و معنابخشی دوباره به میراث فرهنگی گروه‌های قومی، از آن‌ها به عنوان ابزاری جهت بسیج سیاسی این گروه‌ها در کسب قدرت سیاسی و ایجاد اختلاف در بین گروه‌های قومی استفاده می‌کنند. هابسباوم نیز ملت و پدیده‌های مرتبط با آن را نتیجه سنت‌های ابداعی نخبگان حاکم می‌داند (براس، ۱۹۷۹؛ هابسباوم، ۱۹۸۳؛ به نقل از اوزکریملی، ۱۳۸۳: ۱۴۹). در تحقیق حاضر و در

ارتباط با اهمیت نخبگان قومی در ناسیونالیسم قومی کرد، این پرسش مطرح است که دیدگاه‌های افراد مصاحبه‌شونده در مورد نقش نخبگان قومی و ارتباط آن با مذهب چگونه است؟

«وجود احزاب برای مبارزه کردی قطعاً مفید است. من تا حدودی با این احزاب آشنایی دارم، به نظرم در تاریخ کرد نقش بسیار مهمی داشته‌اند اما در حال حاضر ارتباط این احزاب با مردم کم شده و نقش‌شان کم‌رنگ شده، شاید به این خاطر است که ما دیگر در این احزاب شخصیت‌های مهم و تاثیرگذار نداریم. مثلاً تا وقتی که حزب دمکرات، دکتر قاسملو را داشت تاثیرش خیلی بیشتر از الان بود. ولی احزاب کردستان ایران در حال حاضر منفعل هستند» (زن، دانشجو).

اگرچه در میان گروه‌های فعال در عرصه سیاسی کردستان گروه‌های مذهبی مانند جریان مکتب قرآن به رهبری احمد مفتی‌زاده وجود دارند اما در گفتار مردم کردستان ایران منظور از احزاب کرد همانا حزب کومله و دمکرات است. لازم به ذکر است هر دوی این احزاب سکولار هستند و در سال‌های اخیر خواهان حل مسئله کرد از طریق تقسیم قدرت سیاسی در ایران در قالب فدرالیسم می‌باشند. حال با توجه به گفته‌های مصاحبه‌شوندگان می‌توان گفت که از نظر این افراد احزاب کرد نقش مهمی در تاریخ کرد داشته‌اند و اهمیت این مسئله در تلاش این احزاب برای سازمان‌دهی مبارزه مردم کرد جهت تحقق اهداف سیاسی‌شان در طی نیم قرن گذشته بوده است. اگرچه مصاحبه‌شوندگان برخی از اشتباهات گذشته و حال احزاب (مانند اختلافات و تضادهای درونی که با همدیگر داشته‌اند و همچنین انفعال احزاب در سال‌های اخیر) را یادآوری و در مورد آن‌ها اظهار نارضایتی می‌کنند، اما همچنان بر این باورند که احزاب سیاسی می‌توانند نقش مهمی در مبارزه مردم کردستان داشته باشند. بعلاوه می‌توان این واقعیت را نیز استنباط نمود که کردها از احزاب این انتظار را دارند که با افزایش فعالیت‌هایشان در گسترش مبارزه مردم کرد برای تحقق مطالبات سیاسی - فرهنگی جنبش کردی نقش پررنگ‌تری ایفا کنند. یکی از نکات مهم در ارتباط با دیدگاه افراد مصاحبه‌شونده نسبت به احزاب کردی این است که این افراد بر نقش احزاب سکولار تأکید دارند و نقش گروه‌های مذهبی مانند جریان مکتب قرآن که دارای رویکرد ناسیونالیسم مذهبی می‌باشند از اهمیت خاصی برایشان برخوردار نیست.

##### ۵. تلقی سکولار از دین

منظور از تلقی سکولار از دین نزد افراد مورد مطالعه در تحقیق حاضر، تفاسیر فردی این افراد از دین با اتکای به عقل و همچنین قائل بودن به جدایی دین از حکومت می‌باشد. اکثر مصاحبه‌شوندگان بر این باور بودند که با توجه به این که تفاسیر متعددی از اسلام و همچنین مذهب تسنن وجود دارد

لذا آن‌ها برای تشخیص درست یا نادرست بودن این تفاسیر نهایتاً به عقل خودشان رجوع می‌کنند و نمی‌توانند ادعاهای مفسران دینی را بدون استدلال عقلانی بپذیرند مصاحبه‌شونده‌ای در این باره چنین می‌گویند:

«مذهب باعث میشه انسان از سرگردانی در بیاد و به نظرم هر مذهب یا مکتبی می‌تونه باعث رشد و تعالی انسان بشه البته این هم به شخص بستگی داره، چون باید هرکسی تفسیر خودش را از مذهب داشته باشه مثلاً الان در اسلام تفاسیر مختلفی وجود داره و هر کدام هم برای خودشان دلایلی دارند. ولی هرکس باید به عقل خودش رجوع کنه» (مرد، کارمند).

همچنین این افراد معتقدند که مهم‌ترین کارکرد دین و مذهب در زندگی آن‌ها به عرصه خصوصی زندگی‌شان برمی‌گردد. به این معنا که دین می‌تواند به افراد جهت‌مناخشی به زندگی و هدفمند کردن زندگی موثر باشد و به این وسیله می‌تواند آرامش لازم را به‌دست آورند. یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان در این رابطه چنین می‌گوید:

«مذهب باعث میشه که انسان هدفش از زندگی را مشخص کنه و مسیر زندگی‌اش را تعیین کنه. مذهب زندگی را از بیهودگی در میاره و باعث موفقیت انسان در زندگی میشه» (زن، کارمند).

یکی دیگر از مواردی که مصاحبه‌شوندگان در ارتباط با مذهب ابراز داشته‌اند مربوط به رابطه دین و حکومت می‌باشد. این افراد بر این باورند که دین نباید در امور سیاسی و اداره جامعه دخالتی داشته باشد؛ به معنای دیگر، دین نباید به پایه و اساس قوانین و منبع برای حکومت‌داری تبدیل شود، چراکه این امر سبب می‌شود یکی از مذاهب بر سایرین ارجحیت داده شود و همچنین تفسیر مورد نظر دولت مردان بر سایر تفاسیر غلبه پیدا می‌کند و سایر دیدگاه‌ها و تفاسیر را به حاشیه براند؛ و این امر سبب اختلاف و ایجاد تبعیض در میان افراد جامعه می‌شود. بنابراین در صورت ورود دین به نهادهای دولتی و حکومتی ممکن است حکومت به ابزاری برای تحمیل قرائت خاصی از مذهب بر سایر تفاسیر و قرائت‌ها بدل شود.

«موافق حکومت دینی نیستم. باید دین از حکومت جدا باشه، چون دین شاخه شاخه شده اگر در حاکمیت قرار بگیره یکی از این شاخه‌ها (مذاهب) مسلط میشه و آزادی سایرین را از بین میره» (مرد، شغل آزاد).

### ۶. حق تعیین سرنوشت

یکی از بنیادی‌ترین خواست‌های ناسیونالیسم کردی در ایران از ابتدای شکل‌گیری آن خواست خودمختاری بوده است. شکل‌گیری ناسیونالیسم کردی در ایران و مطرح نمودن خواست

خودمختاری به شکل مدرن آن به طور عمده به سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۲۴ باز می‌گردد. در این دوره ناسیونالیسم کردی و خواست خودمختاری سیاسی، که متأثر از ناسیونالیسم کردی در کردستان ترکیه و عراق بود ظهور کرد. جنگ جهانی دوم فرصت مناسبی را برای ناسیونالیسم کردی فراهم کرد و این جریان در سال ۱۳۲۴ به مدت یک‌سال یک جمهوری خودمختار کردی در شهر مهاباد تاسیس کرد (جلایی‌پور، ۱۳۸۵: ۶۷). بنابراین خواست تشکیل حاکمیت سیاسی که بیشتر در قالب شعار خودمختاری برای کردستان تبلور پیدا کرده است همواره یکی از مهم‌ترین گزاره‌های گفتمان ناسیونالیسم کردی بوده است و به عنوان راه‌حلی سیاسی برای حل مسئله قومی در کردستان مطرح بوده است. تاکید بر خودمختاری و حاکمیت سیاسی کردی برای رفع مسئله قومی در کردستان از سوی مشارکت‌کنندگان در این تحقیق نیز به صورتیکه در ادامه می‌آید ابراز شد:

«به نظرم راه‌حلی که بتواند باعث به رسمیت شناخته شدن کردها بشود، دولت است.

تنها در قالب یک دولت می‌توانیم رسمیت پیدا کنیم» (مرد، معلم).

«این حق ماست که حکومت و دولت خودمان را داشته باشیم، همه ملت‌ها

حکومت‌های خود را دارند، چرا کردها نداشته باشند؟» (مرد، سرباز).

براساس گفته‌های مصاحبه‌شوندگان تشکیل دولت کردی یک حق طبیعی به شمار می‌آید، چرا که بسیاری از ملت‌های همسایه کردها (عرب‌ها، ترک‌ها و فارس‌ها) دارای حاکمیت سیاسی خود می‌باشند؛ لذا از نظر این افراد رسمیت یافتن کردها به عنوان یک ملت تا حد زیادی منوط به تشکیل دولت است. از این اظهارات می‌توان چنین برداشت کرد که خواسته‌ها و راه‌حلی‌هایی که احزاب ناسیونالیستی در کردستان در طی دهه‌های متوالی طرح کرده‌اند حداقل در میان برخی از افراد جامعه کردستان پذیرفته شده و مشروعیت پیدا کرده است.

## ۷. ارجحیت قومیت بر مذهب

تقدم وفاداری به ملت بر همه انواع دیگر هویت جمعی و ملت به عنوان مهم‌ترین منبع هویتی افراد، از جمله گزاره‌های اساسی نظریه ناسیونالیسم به شمار می‌آید (اوزکریملی، ۱۳۸۳: ۲۱۷)؛ بنابراین، ناسیونالیسم همواره در ارتباط با دیگر منابع هویتی همچون مذهب به صورت آشکار و پنهان همواره در رقابت برای کسب جایگاهی والاتر از آن‌ها است.

در ارتباط با مذهب و قوم‌گرایی در پژوهش حاضر، با طرح سوالاتی در ارتباط با حس تعلق افراد به نمادها و شخصیت‌های تاریخی کرد و همچنین پرسش از نوع اهمیت مذهب و هویت کردی برای افراد، مقوله ارجحیت قومیت بر مذهب به دست آمد که در ادامه با ارجاع به گفته‌های مصاحبه‌شوندگان توضیح داده خواهد شد. در مبحث رابطه هویت کردی و مذهب سنی، بین افراد مذهبی و غیر مذهبی تفاوت عمده‌ای وجود دارد، چرا که از نظر مصاحبه‌شوندگان غیر مذهبی، کرد

بودن و سنی بودن دو مقوله متضاد به شمار می‌آید و بر این باورند که با توجه به این که در کردستان مذاهب مختلفی وجود دارد لذا مذهب یکی از عوامل ایجاد اختلاف در جامعه کُردی به شمار می‌آید، برای مثال دو نفر از مصاحبه‌شوندگان غیر مذهبی در این ارتباط چنین می‌گویند:

«ما قبل از اینکه سنی یا مسلمان باشیم کُرد بوده‌ایم و هیچ قرابتی بین کُرد بودن و سنی بودن وجود ندارد» (مرد، دانشجو).  
«به نظر من یکی از مهم‌ترین مسائلی که باعث شده است کُردها نتوانند به حق و حقوق خود برسند، مذهب بوده. اختلافات مذهبی بیشترین ضربه را به اتحاد کُردها زده است» (مرد، شغل آزاد).

اما از نظر مصاحبه‌شوندگانی که دارای اعتقادات مذهبی هستند، کُرد بودن و سنی بودن تناقضی باهم ندارند و کُردها با داشتن هر مذهبی می‌توانند به هویت کُردی خود پای‌بند بمانند. این افراد که بیشترین تعداد را در میان مصاحبه‌شوندگان دارند، تفسیری فردی از مذهب دارند که بر اساس آن مذهب بیشتر در حوزه زندگی خصوصی آن‌ها نقش ایفا می‌کند.

«گروه‌هایی که گرایش اسلامی دارند می‌خواهند بین کُرد بودن و سنی بودن تضاد ایجاد کنند ولی در کل از نظر من کُرد بودن با سنی بودن سازگار است، من به مذهب معتقدم و فرایض دینی را هم به‌جا می‌ارم در عین حال کُرد بودن هم برایم مهم است، حتی از مذهب هم مهم‌تر است چون کُرد بودن برای من غیر قابل‌تغییر» (مرد، آزاد).

با توجه به گفته‌های فوق از نظر کُردهای سنی که دارای اعتقادات مذهبی هستند، کُرد بودن و سنی بودن دو امر سازگارند (هر چند تاکید می‌کنند که کُرد بودن نسبت به مذهب برای آن‌ها در اولویت قرار دارد) و این افراد معتقدند در کنار حفظ هویت کُردی می‌توانند به مذهب هم پای‌بند بمانند. از نظر مشارکت‌شوندگان کُرد سنی، هویت قومی اهمیت و ارجحیت بالاتری نسبت به مذهب دارد. نکته قابل توجه این است که همه این افراد با تفاسیر و قرائت‌های سیاسی از مذهب مخالفند زیرا در این تفاسیر (اسلام سیاسی) هویت مذهبی بر هویت قومی ارجحیت داده می‌شود، و از نظر آن‌ها رشد اسلام سیاسی در کردستان می‌تواند سبب ایجاد تنش و شکاف مذهبی در کردستان شود؛ لذا می‌توان گفت از نظر مصاحبه‌شوندگان تاکید بر مولفه‌های قومی می‌تواند به عنوان عاملی همبستگی بخش در جامعه کُردستان ایفای نقش کند.

## بخش دوم: مقوله‌های ساخته شده از یافته‌های تحقیق (کُردهای اهل تشیع)

### ۱. هویت قومی کُردی

از نظر کُردهای شیعه، کُرد بودن واجد ویژگی‌هایی است که آن را از سایر اقوام ایرانی متمایز می‌کند. به نظر آن‌ها، کُردها یکی از اقوام ایرانی هستند که دارای ویژگی‌های متمایز زبانی و فرهنگی



از سایر اقوام هستند. در ارتباط با زبان که یکی از مهم‌ترین عناصر هویت‌های قومی و ملی در اکثر جوامع به شمار می‌آید یکی از مشارکت‌کنندگان چنین می‌گوید:

«یکی از مهم‌ترین چیزهایی که کردها را از بقیه متمایز می‌کند زبان کردی است، به نظرم باید این زبان حفظ بشه و خانواده‌ها سعی کنند که گویش‌های مختلف این زبان را به فرزندانشان آموزش بدهند» (مرد، دانشجو).

جدول (۳): مفاهیم اولیه تحقیق، مقولات عمده و مقوله هسته - کردهای اهل تشیع

مفهوم	مقوله	مقوله هسته
زبان کردی، صمیمیت، فرهنگ کردی، اصالت، غیرت	هویت قومی کردی	قوم‌گرایی فرهنگی
پذیرش وجه عقلانی مذهب، تعالی بخش بودن مذهب، تفسیر فردی از مذهب، جدایی دین از حکومت	تلقی سکولار از دین	
تاکید بر تدریس زبان کردی در مدارس، تاکید بر حفظ آداب و رسوم کردی، تاکید بر حفظ موسیقی کردی	تاکید بر حقوق فرهنگی قوم کرد	
احساس تبعیض اقتصادی، احساس تبعیض فرهنگی	نارضایتی از دولت	
حس تعلق به زبان فارسی، تاکید بر حفظ تمامیت ارضی ایران، ایران به عنوان وطن، مخالفت با حق تعیین سرنوشت اقوام	هویت ملی ایرانی	
عدم تناقض میان کرد بودن و شیعه بودن، همسو بودن قومیت و مذهب، سازگاری کرد بودن و شیعه بودن	سازگاری مذهب و قومیت	
عدم آشنایی با شخصیت‌های سیاسی و فرهنگی کرد، عدم آشنایی با احزاب و جریان‌های سیاسی کردی، عدم آشنایی نسبت به جنبش‌های قومی کرد	فقدان آگاهی تاریخی	

تاکید بر حفظ زبان کردی حداقل در حوزه گفتاری از سوی این افراد، نشان از اهمیت زبان کردی به عنوان عاملی هویت بخش می‌باشد. در کنار زبان کردی، مصاحبه‌شوندگان به شناسه‌های دیگری همچون غیرت و صمیمیت نیز اشاره کرده‌اند که بار ارزشی مثبتی برای آن‌ها دارد، یعنی خصوصیتی در کرد بودن وجود دارد که به آن می‌بالند و مایه افتخار کردها محسوب می‌شود. دو نفر از مصاحبه‌شوندگان چنین می‌گویند:

«به نظرم یک‌رنگی و صمیمیتی که در کردها وجود داره در بقیه وجود نداره» (زن، دانشجو).

«کرد بودن برای من بیشتر به معنای غیرت، مردانگی و صداقت است. به نظرم این‌ها جزء مهم‌ترین چیزهایی هستند که کرد را از غیر کرد جدا می‌کند» (مرد، شغل آزاد).

یکی دیگر از مواردی که کردهای شیعه به عنوان مولفه‌ای هویتی از آن نام می‌برند، اصالت نژادی کردها است. به نظر کردهای شیعه، کردها اصیل‌ترین قوم ایرانی/ آریایی هستند که این ویژگی آن‌ها را از سایر اقوام ایرانی متمایز می‌کند. یکی از افراد مصاحبه‌شده در این ارتباط چنین می‌گوید:

«من به گُرد بودنم افتخار می‌کنم چون اولاً گُردها دارای نژاد اصیل آریایی هستند و همچنین غیورند و ویژگی‌های مثبت زیادی هم دارند» (زن، دانشجو).

اشاره مصاحبه‌شوندگان به آریایی بودن گُردها به عنوان یکی از قدیمی‌ترین اقوام ایرانی در واقع هویت گُردی را هم‌راستا با هویت ملی ایرانی قرار می‌دهد. درنهایت، بر اساس گفته‌ها (نظرات) و درک و تفسیری که گُردهای شیعه از گُرد بودنشان دارند می‌توان گفت که گُردهای شیعه دارای احساس تعلق به یک هویت مشترک گُردی به عنوان یک هویت قومی در چارچوب هویت ملی ایرانی هستند. هم زمان گُردها از نظر این افراد دارای زبان، ریشه و نیای مشترک و همچنین منش و ویژگی‌های شخصیتی مشترک هستند که آن‌ها را از دیگر اقوام متمایز می‌کند.

## ۲. هویت ملی ایرانی

گُردهای شیعه اگرچه بر حفظ هویت گُردی خود تاکید می‌کنند اما این هویت را جزئی از یک هویت گسترده‌تر که همان هویت ایرانی است می‌دانند. عناصر سازنده هویت ایرانی که از سوی این افراد مورد تاکید قرار گرفته است زبان فارسی و سرزمین ایران به عنوان وطن است. درباره حس تعلق به ایران دو نفر از این افراد چنین می‌گویند:

«وقتی حرف از وطن به میان می‌آید بحث قومیت کاملاً به حاشیه می‌رود. وطن برای

من ایران است که همه اقوام را در بر می‌گیرد» (مرد، دانشجو).

درکنار احساس تعلق به ایران، یکی دیگر از عناصر سازنده هویت ملی ایرانی که مصاحبه‌شوندگان بر آن تاکید کردند، زبان فارسی می‌باشد که به عنوان عامل وحدت‌بخش بین اقوام ایرانی در نظر گرفته می‌شود. در همین رابطه دو نفر از مصاحبه‌شوندگان چنین اظهار می‌دارند:

«حس خوبی نسبت به زبان فارسی دارم، یک عامل اشتراک بین اقوام ایرانی است و از این نظر هم مهمه» (مرد، کارمند).

در نهایت می‌توان گفت که اظهارات گُردهای شیعه در ارتباط با هویت ایرانی و هویت گُردی به گزاره‌های گفتمان ناسیونالیسم ایرانی نزدیک‌تر است تا به گزاره‌های گفتمان ناسیونالیسم گُردی. چرا که افراد مصاحبه شده اگرچه بر حفظ فرهنگ و زبان گُردی تاکید می‌کنند اما هویت ملی ایرانی را ورای هویت‌های قومی می‌دانند و حق تعیین سرنوشت به عنوان راهکاری جهت حل مسائل سیاسی اقوام که از سوی احزاب و گروه‌های سیاسی طرح شده است را نمی‌پذیرند.

## ۳. نارضایتی از دولت

با توجه به این‌که دولت مرکزی در ایران دارای نقش بسزایی در عرصه‌های مختلف همچون سیاست، اقتصاد و فرهنگ است و مهم‌ترین بازیگر در این عرصه‌ها به شمار می‌آید، لذا می‌تواند یکی از

مهم‌ترین متغیرها در ارتباط با مسئله شکاف‌های اجتماعی و نابرابری‌های قومی باشد. کردهای اهل تشیع بر این باورند که دولت در ایران عامل تبعیض‌های اقتصادی و فرهنگی در مناطق کُردنشین است. عدم توجه به فرهنگ کُردی و توسعه‌نیافتگی مناطق کُردنشین از نظر اقتصادی از سوی مصاحبه‌شوندگان کُرد شیعه به عنوان احساس تبعیض درک می‌شود.

«احساس می‌کنم در بعضی جاها در حق مردم اجحاف می‌شود، و عدالت رعایت نمیشه. از نظر اقتصادی بعضی از استان‌ها محروم‌تر از سایرین هستند. مثلاً کرمانشاه یکی از این استان‌هاست که خیلی کم مورد توجه قرار گرفته» (زن، دانشجو).  
«به نظرم حکومت به عنوان یک قوم خیلی پایین به کردها نگاه می‌کنه» (مرد، شغل آزاد).

اگرچه از دیدگاه کردهای شیعه، آن‌ها از نظر اقتصادی و فرهنگی از سوی دولت مورد تبعیض قرار گرفته‌اند اما این مسئله باعث ایجاد شکاف میان هویت ایرانی و هویت قومی آن‌ها نشده است، و این وضعیت حاکی از آن است که تفاوت‌های فرهنگی و زبانی در میان کردهای شیعه به امری سیاسی تبدیل نشده است.

#### ۴. تاکید بر حقوق فرهنگی

از نظر کردهای شیعه مرزهای هویت کُردی بر مبنای نمادها، آداب و رسوم، سنت‌ها و دستاوردهای فرهنگی قوم کُرد در چهارچوب مرزهای سیاسی ایران قرار دارد. همان‌طور که در مقوله‌های هویت قومی کُرد و هویت ملی ایرانی نیز توضیح داده شد، کردهای شیعه هویت کُردی را جزئی از یک هویت کلی‌تر به نام هویت ایرانی به حساب می‌آورند. بنابر آنچه در قالب مقوله هویت قومی کُردی توضیح داده شده، کُرد بودن برای کردهای شیعه بیشتر در قالب مولفه‌های فرهنگی معنا پیدا می‌کند که تا حد زیادی با هویت ملی مورد نظر آن‌ها یعنی هویت ایرانی سازگار است. با وجود این از نظر کردهای شیعه فرهنگ کُردی دارای ویژگی‌هایی است که از نظر آن‌ها واجد اهمیت است و به عنوان منبعی برای معنا و هویتبخشی به زندگی در نظر گرفته می‌شود؛ لذا حفظ و گسترش این فرهنگ را در چهارچوب ایران، یک حق طبیعی می‌دانند. گفته‌های دو نفر از مصاحبه‌شوندگان در ارتباط با این موضوع به این صورت است:

«هر قوم و مذهبی باید این حق را داشته باشد که فرهنگ خودش را حفظ کند، یک کُرد باید بتواند مثل یک کُرد زندگی کنه، زبان و فرهنگش را حفظ کنه؛ این حق طبیعی» (مرد، دانشجو).

«اگرچه زبان فارسی را دوست دارم و نسبت به آن احساس تعلق می‌کنم ولی باید زبان کُردی هم حفظ بشه و دولت اجازه بده که در کنار زبان فارسی، زبان کُردی در

مدارس هم تدریس بشه، تا ما هم بتوانیم با زبان مادریمان (زبان کردی) بخوانیم و بنویسیم» (مرد، کارمند).

تاکید بر حقوق فرهنگی از سوی کردهای شیعه، حاکی از نوعی آگاهی قومی است که افراد مصاحبه شده نسبت به هویت قومی‌شان دارند. این نوع از آگاهی از سوی برخی از نظریه‌پردازان ناسیونالیسم به‌عنوان ناسیونالیسم فرهنگی از آن یاد می‌شود. از مهم‌ترین ویژگی‌های این ناسیونالیسم این است که فرهنگ و هویت پارامترهای اساسی آن به شمار می‌آیند (احمدزاده، ۱۳۸۳). بنابراین می‌توان گفت که در میان کردهای شیعه نوعی از قوم‌گرایی فرهنگی وجود دارد که به سبب غیرسیاسی بودن آن دارای تفاوت‌های عمده‌ای با ناسیونالیسم قومی گرد می‌باشد.

### ۵. فقدان آگاهی تاریخی

این مقوله بیانگر آن است که کردهای شیعه در مورد تحولات تاریخی، جریان‌های سیاسی و شخصیت‌های نمادین جنبش قومی در کردستان اطلاعات و آگاهی چندانی ندارند و علاقه‌ای هم برای پیگیری این مباحث از خود نشان نمی‌دهند. این مسئله حاکی از آن است که افراد مصاحبه‌شونده مخاطب گفتمان ناسیونالیسم قومی کردی نمی‌باشند و با فضای فکری که این گفتمان در پی رواج آن است بیگانه هستند. در پایین گفته‌های دو نفر از مصاحبه‌شوندگان آمده است که مضمون این گفته‌ها در صحبت‌های بیشتر مصاحبه‌شوندگان تکرار شده است:

«در مورد مشاهیر کرد هیچ اطلاعی ندارم، فقط می‌دانم که در میان کردها کسانی که کار خاصی انجام داده‌اند عموماً دنبال استقلال کردها بوده‌اند، من از این تفکر خیلی خوشم نمی‌آید» (زن، دانشجو).

«در مورد احزاب و شخصیت‌های سیاسی کرد هیچ شناختی ندارم و اهمیتی هم برایم نداشته است» (مرد، شغل آزاد).

اهمیت گفته‌های فوق در ارتباط با پژوهش حاضر به این خاطر است که یکی از مواردی که گفتمان‌های ناسیونالیستی برای نشان دادن تمایز قوم یا ملت خود از دیگر اقوام و ملت‌ها بر آن تاکید می‌کنند ارجاع به گذشته و تاریخ منحصر به فرد قومی/ ملی است. بخشی از محتوای این گذشته نیز شامل اسطوره‌ها، مبارزات و شخصیت‌هایی است که در دوره‌های مختلف تاریخی به نمادهای مبارزات قومی/ ملی تبدیل شده‌اند. همچنین یکی از میانجی‌های آشنایی جوامع قومی با تاریخ‌شان، روشنفکران و نخبگان سیاسی و فرهنگی آن جوامع است، آن‌ها با تصویرها و نمادهای خود، بازنمایی و تمایز ملت/ قوم را ترسیم می‌کنند و به دیگران معرفی و بازنمایی می‌کنند (اسمیت، ۱۳۹۱: ۱۸۰)؛ لذا عدم آشنایی کردهای شیعه با شخصیت‌های سیاسی و احزاب کردی و فقدان آگاهی تاریخی قومی حاکی از عدم تأثیر گذاری گفتمان ناسیونالیسم کردی در میان کردهای شیعه می‌باشد.

## ۶. تلقی سکولار از دین

منظور از تلقی سکولار از نظر کردهای شیعه آن است که، افراد مصاحبه‌شونده دین را تنها به عنوان یکی از منابع معرفتی و اخلاقی جهت تشخیص امور درست از نادرست در زندگی‌شان می‌دانند و معتقدند مسائلی در زندگی شخصی و اجتماعی‌شان وجود دارد که نمی‌توان با اتکا به دستورات و فرامین دینی راه‌حلی درخور برای‌شان پیدا کرد. یکی از این مسائل که از سوی اکثر مصاحبه‌شوندگان بر آن تاکید می‌شود سیاست یا حکومت‌داری است که به نظر بیشتر مصاحبه‌شوندگان دخالت دین در این عرصه نمی‌تواند نتایج مثبتی برای جامعه دربر داشته باشد. اکثر مصاحبه‌شوندگان به تجربه جامعه ایران در طول سه دهه گذشته اشاره می‌کنند و دخالت دین در سیاست را سبب محدود شدن آزادی‌های فردی و اجتماعی از یک‌طرف و همچنین افزایش اختلافات مذهبی در جامعه می‌دانند. دو نفر از مصاحبه‌شوندگان در این رابطه چنین می‌گویند:

«به نظرم وجود مذهب در سیاست زیاد مثبت نیست و دلیل آن هم تجربه‌هایی است که در زمینه وجود دارد» (مرد، دانشجو).

«به نظرم مذهب باید امری فردی باشه و همه حق انتخاب داشته باشند، و مذهب هم باید از دولت جدا باشه» (زن، کارمند).

همچنین عقلانی شدن باورها، اتکا به تفاسیر فردی و نپذیرفتن تفاسیر رسمی از دین که از سوی مراجع و مروجین دینی در جامعه ارائه می‌شود، یکی دیگر از مباحثی است که از سوی مصاحبه‌شوندگان ابراز می‌شود. مصاحبه‌شوندگان بیشتر بر کارکردهای دین در حوزه خصوصی و زندگی شخصی‌شان تاکید می‌کنند و دین را به‌عنوان وسیله‌ای جهت حفظ آرامش روحی و روانی خود می‌دانند. یکی از مشارکت‌کنندگان در این رابطه چنین می‌گوید:

«تا یه حدی مذهب را قبول دارم، و یه جاهایی هست که قبول ندارم. خودم از هر چیزی یه تعبیری دارم، در کل مذهب برای من وجه آرام‌بخش داره» (مرد، کارمند).

## ۷. سازگاری مذهب و قومیت

کردهای شیعه بر این باورند که مذهب به‌طور کلی و مذهب شیعه به‌طور مشخص تضاد یا تناقضی با کرد بودن ندارد. آن‌ها برای اثبات این ادعای خود به حفظ فرهنگ و هویت کردی در میان پیروان مذاهب مختلف در مناطق کرد نشین اشاره می‌کنند. برخی از افراد مصاحبه‌شده معتقدند تضاد میان مذهب و قومیت (در این جا کرد بودن و شیعه بودن) تنها ممکن است در میان گروه‌ها و طیف‌های سیاسی که یکی از این دو را بر دیگری ارجحیت می‌دهند پیش بیاید. از نظر مشارکت‌کنندگان، برای عامه مردم سازگاری میان مذهب و هویت قومی امری بدیهی به حساب می‌آید. دو نفر از کردهای شیعه در رابطه با این مسئله چنین می‌گویند:

«من فکر می‌کنم تضاد خاصی با هم ندارند، از نظر عامه مردم هم گُرد بودن و شیعه بودن با هم تضادی ندارند. البته در مورد گروه‌های سیاسی ممکن قضیه فرق می‌کند ولی به نظر من با هم سازگارند» (مرد، شغل آزاد).

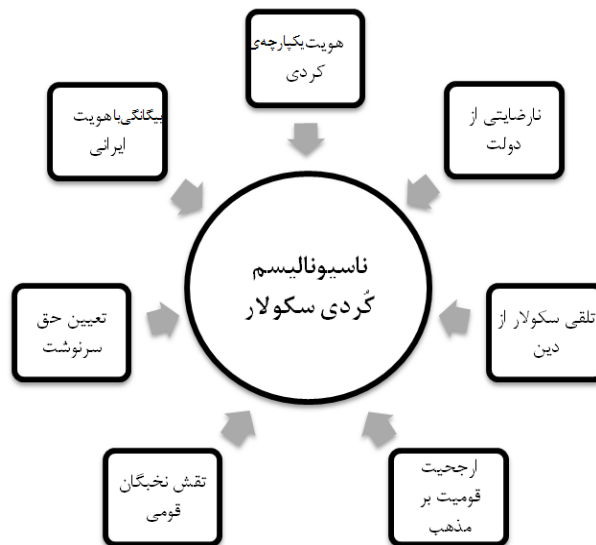
با وجود این که گُردهای شیعه تضادی میان گُرد بودن و شیعه بودن نمی‌بینند اما بر این باورند که گُردهای سنی نسبت به گُردها شیعه به هویت گُردی‌شان وفادارتر هستند و احساس تعلق بیشتری به مولفه‌های هویت قومی خود دارند. یکی از افراد مصاحبه‌شده چنین می‌گوید:  
«در بین شیعه‌ها فرهنگ گُردی داره کمرنگ میشه، از مدل لباس پوشیدن بگیر تا صحبت کردن به زبان گُردی. ولی هنوز توی مناطق سنی نشین فرهنگ گُردی پررنگ است» (مرد، شغل آزاد).

### بحث و نتیجه‌گیری

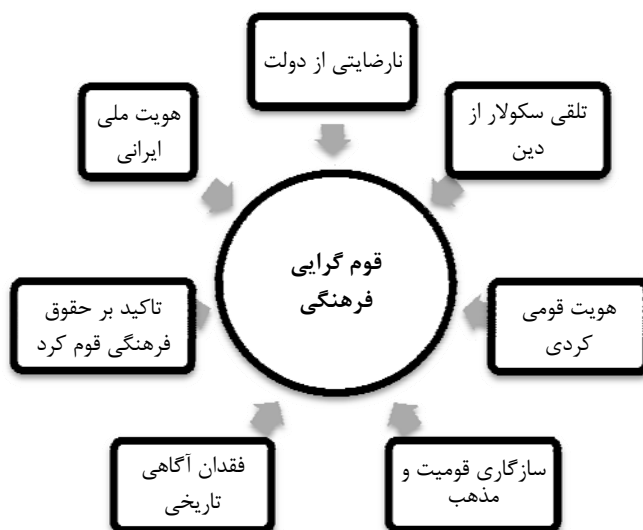
در این مقاله درک و تفسیر گُردهای سنی و شیعه از پدیده قوم‌گرایی در قالب مقولات عمده‌ای که حاصل گفته‌های مصاحبه‌شوندگانی از هر دو گروه بود، توضیح داده شد. از ادغام و ترکیب این مقولات برای گُردهای سنی مقوله هسته «ناسیونالیسم گُردی سکولار» و برای گُردهای شیعه مقوله هسته «قوم‌گرایی فرهنگی» حاصل شد.

ابعاد مختلف قوم‌گرایی برای هر کدام از این دو گروه در مدل‌های (۱) و (۲) نشان داده شده است. در ادامه نیز تفاوت‌ها و تشابهات قوم‌گرایی میان این دو گروه که در جدول (۴) آمده است، توضیح داده می‌شود.

مدل (۱): مدل زمینه‌ای درک و تفسیر گُردهای سنی از پدیده قوم‌گرایی



مدل (۲): مدل زمینه‌ای درک و تفسیر کردهای شیعه از پدیده قوم‌گرایی



درک کردهای شیعه و سنی از هویت کردی اگرچه در مواردی همچون تاکید بر زبان کردی و اصالت قوم کرد به عنوان مولفه‌های هویت‌بخش مردم کرد دارای اشتراکاتی می‌باشد، اما دارای تفاوت‌های برجسته و قابل ملاحظه‌ای نیز هست. از نظر کردهای سنی هویت کردی اغلب به‌عنوان یک هویت ملی/کردی درک می‌شود که محتوای آن را فرهنگ کردی، اصالت، زبان کردی، تجربه رنج مشترک و مقاومت در برابر انکار دیگری شکل می‌دهد. این مولفه‌ها نشان می‌دهند که از منظر مصاحبه‌شوندگان سنی علاوه بر عناصر درونی فرهنگ کردی مانند آداب و رسوم و زبان و ... تجربه مبارزات سیاسی و مقاومت در برابر حکومت‌های مرکزی نیز برای کردهای سنی به بخشی از هویت کردی آن‌ها بدل شده است. این درک از هویت کردی و معنای کرد بودن، در میان کردهای سنی که دارای وجهی سیاسی است، یکی از وجوه افتراق کردهای شیعه و سنی است. چرا که محتوای هویت کردی برای کردهای اهل تشیع عموماً در قالب مولفه‌ها و نمادهای فرهنگی خود را نشان می‌دهد.

جدول (۴): تفاوت‌ها و تشابهات قوم‌گرایی در میان کردهای سنی و شیعه

مقولات			
تفاوت‌ها		تشابهات	
شیعه	سنی	شیعه	سنی
هویت قومی کردی	هویت یک‌پارچه کردی	تلقی سکولار از دین نارضایتی از حکومت	
هویت ملی ایرانی	بیگانگی با هویت ایرانی		
سازگاری قومیت و مذهب	ارجحیت قومیت بر مذهب		

یکی دیگر از تفاوت‌های مهم گردهای شیعه و سنی مربوط به هویت ایرانی است. از نظر گردهای سنی، هویت گُردی فراتر از یک هویت قومی است که بتوان آنرا در چارچوب مرزهای ایران محدود نمود. از نظر آن‌ها گردهای ترکیه، عراق و سوریه نیز بخشی از هویت واحد گُردی هستند و در سرزمینی به اسم گُردستان که دارای جغرافیا و مرزهای مشخصی است، زندگی می‌کنند. گردهای سنی، وطن خود را گُردستان بزرگ می‌دانند و به این مکان که بخش اعظم آن خارج از مرزهای کنونی ایران قرارداد به عنوان وطن خود احساس تعلق نشان می‌دهند. درحالی که از نظر گردهای شیعه، گُردها یکی از اقوام ایرانی به شمار می‌آیند و هویت قومی آن‌ها ذیل هویت ملی ایرانی قابل تعریف می‌باشد.

از جمله موارد دیگری که می‌تواند در تفاوت قوم‌گرایی میان گردهای شیعه و سنی قابل توجه باشد موضوع آگاهی تاریخی و سیاسی از قومیت گُردی است که در قالب مقوله «فقدان آگاهی تاریخی» که از گفته‌های مصاحبه‌شوندگان شیعه استخراج شده است، خود را نشان می‌دهد. چرا که مقوله مذکور بیانگر آن است که گردهای شیعه در مورد تحولات تاریخی، جریان‌های سیاسی، شخصیت‌های نمادین و رهبران جنبش‌های گُردی اطلاعات و آگاهی چندانی ندارند؛ درحالی که از نظر گردهای سنی، رهبران جنبش‌های گُردی و احزاب گُردی بخش مهمی از تاریخ مبارزات مردم گُرد به حساب می‌آیند که قابل احترام می‌باشند به طوری که وجود آن‌ها برای جامعه گُردی ضروری و مهم قلمداد می‌شود.

مقایسه مقوله‌های «حق تعیین سرنوشت» و «تاکید بر حقوق فرهنگی قوم گُرد» با همدیگر، که اولی از نظام معنایی مشارکت‌کنندگان سنی و دومی از مشارکت‌کنندگان شیعه استخراج شده است، یکی دیگر از تفاوت‌های قوم‌گرایی میان گردهای شیعه و سنی را نشان می‌دهد. تفاوت این دو مقوله حاکی از آن است که نوع قوم‌گرایی در میان گردهای سنی به طور آشکار دارای خصلتی سیاسی است و بیانگر یکی از مهمترین مطالبات جنبش ناسیونالیسم قومی در گُردستان می‌باشد. درحالی که تاکید بر حقوق فرهنگی قوم گُرد، که از سوی مصاحبه‌شوندگان گُرد شیعه ابراز شده است بیشتر حول مطالباتی همچون حفظ زبان و فرهنگ گُردی می‌چرخد که از نظر آن‌ها برآورده شدن این مطالبات بدون وجود حاکمیت سیاسی گُردی نیز امکان‌پذیر است.

در ارتباط با تشابهات درک و تفسیر گردهای شیعه و سنی از قوم‌گرایی در تحقیق حاضر دو مقوله «تلقی سکولار از دین» و «نارضایتی از حکومت» از گفتار مصاحبه‌شوندگان هر دو گروه به دست آمد. مقوله نارضایتی از دولت از دیدگاه گردهای شیعه و سنی ناشی از برخوردهای تبعیض‌آمیز دولت در مناطق گُردنشین است. همچنین منظور از تلقی سکولار از دین در نزد هر دو گروه مصاحبه‌شونده شیعه و سنی، تفاسیر فردی از دین با اتکای به عقل و همچنین قائل بودن به جدایی دین از حکومت می‌باشد.



نهایتاً می‌توان گفت اگرچه مقایسه‌ی درک و تفسیر کردهای شیعه و سنی از قوم‌گرایی حاکی از تفاوت‌های برجسته‌ای در ارتباط با معنای کُرد بودن و ایرانی بودن می‌باشد و تاثیر مستقیم گفتمان ناسیونالیسم کُردی را می‌توان در میان کردهای سنی به وضوح مشاهده نمود، اما نوعی از قوم‌گرایی نیز در میان کردهای شیعه به چشم می‌خورد که بیشتر دارای خصلتی فرهنگی است، مسئله‌ای که در نوشته‌ها و پژوهش‌های قبلی مربوط به قوم‌گرایی در کردستان مورد بررسی قرار نگرفته است. در تحقیق حاضر با تاکید بر ابعاد ذهنی و معنایی ناسیونالیسم سعی شده تا این وجه از ناسیونالیسم کُردی نیز مورد بررسی قرار بگیرد.

یافته‌های این پژوهش نشان داد که در قومیت‌گرایی و پویش‌های قومی در بین کردهای ایران مذهب نقش قابل‌توجهی ایفا می‌کند. وحدت مذهبی عامل تعدیل‌کننده پویش‌های قومی و تمایل به مرکز آن‌هاست در حالی که اختلاف مذهب پویش‌های قومی را به سمت گریز از مرکز و تقویت ناسیونالیسم قومی متمایل می‌کند.

### پیشنهادها

براساس یافته‌های این تحقیق کُردها بر این باورند از سوی حکومت مرکزی مورد تبعیض‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی قرار گرفته‌اند که این امر موجب نارضایتی آن‌ها از حکومت شده است. واضح است که تداوم و گسترش این نارضایتی در میان کردهای ایران می‌تواند سبب شکافی عمیق در جامعه‌ی ایرانی، تضعیف وحدت ملی و به‌خطر افتادن امنیت ملی شود. بنابراین تلاش برای رفع نابرابری‌های اقتصادی، فراهم نمودن زمینه مشارکت نخبگان کُرد در سیاست و توجه بیشتر به مطالبات فرهنگی کُردها از جمله تدریس زبان کُردی در مقاطع مختلف تحصیلی می‌تواند موجب تعدیل احساس نارضایتی آن‌ها شود.

یکی دیگر از نتایج قابل توجه تحقیق حاضر بیگانگی کردهای سنی با هویت ایرانی است، این مسئله نشان می‌دهد که لازم است مفهوم هویت ملی ایرانی به گونه‌ای بازتعریف شود که از دوگانه‌های فارس/غیر فارس و شیعه/غیر شیعه که حاوی معنای فراتر/فروتر است گذر کند و تکثرهای قومی و مذهبی را به عنوان یکی از ویژگی‌های هویت ملی ایرانی دربر گیرد.

همچنین با توجه به حساسیت‌های موجود در ارتباط با مسائل قومی در ایران، قوم‌مداری و مرکز محوری از جمله رویکردهای ایدئولوژیکی هستند که ممکن است محققان اجتماعی را در بررسی عالمانه پدیده قوم‌گرایی ناکام بگذارد. به‌کارگیری رهیافت تفسیری و روش‌های کیفی همچون نظریه مبنایی که متکی بر روش استقرایی و مشاهدات میدانی است امکان‌هایی را برای نزدیک شدن هر چه بیشتر به پدیده‌های اجتماعی از طریق کنار گذاشتن چارچوب‌های نظری از پیش تعیین شده و پیش‌فرض‌های ایدئولوژیک فراهم می‌کند و به‌جای آزمون فرضیه‌ها، مفاهیمی را

ابداع می‌کند که محتوای آن‌ها بر گرفته از داده‌های حاصل از میدان تحقیق است. بنابراین، توصیه می‌شود روش‌های کیفی و تفسیری در مطالعه مسائل قومی بیشتر مورد استفاده قرار گیرد.

### منابع

- احمدزاده، هاشم (۱۳۸۳)، ناسیونالیسم: گونه‌ها و تعاریف، *گاهنامه نویسا*، شماره ۲: ۵۴-۳۷.
- احمدی، حمید (۱۳۷۸)، *قومیت و قوم‌گرایی-از افسانه تا واقعیت*، تهران: نشرنی.
- احمدی، حمید (۱۳۸۸)، *بنیادهای هویت ملی ایرانی: چهارچوب نظری هویت ملی شهروند محور*، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- استراوس، آنسلم، کوربین، جولیت (۱۳۹۰)، *اصول روش تحقیق کیفی*، ترجمه بیوک محمدی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی چاپ سوم.
- اسمیت، آنتونی (۱۳۸۳)، *ناسیونالیسم: نظریه، ایدئولوژی، تاریخ*، ترجمه منصورانصاری، تهران، موسسه مطالعات ملی.
- اسمیت، آنتونی (۱۳۹۱)، *ناسیونالیسم و مدرنیسم*، ترجمه کاظم فیروزمند، تهران، نشر ثالث.
- اشرف، احمد (۱۳۷۳)، بحران هویت ملی و قومی در ایران، *مجله ایران‌نامه*، شماره ۴۷: ۵۲۱-۵۵۰.
- آندرسون، بندیکت (۱۳۹۳)، *جماعت‌های تصویری*، ترجمه محمد محمدی، تهران: رخ داد نو.
- اوزکرملی، اموت (۱۳۸۳)، *نظریه‌های ناسیونالیسم*، ترجمه محمدعلی قاسمی، تهران: موسسه مطالعات ملی.
- ایمان، محمد تقی (۱۳۹۱)، *روش‌شناسی تحقیقات کیفی*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- جلایی‌پور، حمیدرضا (۱۳۸۵) *فراز و فرود جنبش کردی*، تهران: انتشارات لوح قلم.
- سراج‌زاده، سید حسین، جمال ادهمی و یونس اکبری (۱۳۹۲)، مطالعه جامعه‌شناختی فرهنگ اعتماد در بین دانشجویان اقوام چهارگانه آذری، فارس، کرد و لر، *جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی*، دوره ۱، شماره ۱: ۵۵-۸۱.
- سراج‌زاده، سید حسین و ادهمی، جمال (۱۳۸۷)، بررسی تفاوت‌های قومیتی دانشجویان از نظر فعالیت در کانون‌های فرهنگی دانشگاه‌ها، *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*، شماره ۸۲: ۱۵۸-۱۳۵.
- قادرزاده، امید (۱۳۸۸)، "هویت جمعی غالب کردها در کشورهای ایران و عراق"، رساله دکترای جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- کاستلز، امانوئل (۱۳۸۰)، *عصر اطلاعات: قدرت هویت*، ترجمه حسن چاوشیان، چاپ دوم، تهران: طرح نو.
- محمدزاده، حسین (۱۳۹۰)، "انواع قوم‌گرایی در میان کردهای ایران"، پایان‌نامه دکترای جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی علامه طباطبائی.
- مقصودی، مجتبی (۱۳۸۰)، *تحولات قومی در ایران: علل و زمینه‌ها*، تهران: صاحب کوثر.
- ئینتسار، نادر (۲۰۰۳) *ئیتنونه ته وایه تی کوردی، وه رگیرانی عه تا قه ره داعی*، سلیمانی: چاپخانه قانع.
- وریا، مریوان (۲۰۰۵)، *ناسیونالیسم و سه فه ر*، سلیمانی: چاپخانه ره نج.

- Anderson, Benedict (2006), *Imagined Communities: Reflection on the Origin and Spread of Nationalism*, London: Verso.
- Brass, P. R. (1979), Elite Groups, *Symbol Manipulation and Ethnic Identity Among the Muslims of South Asia*, in D. Taylor and M. Yapp (eds), *Political Identity in South Asia*, London: Curzon Press.
- Entessar, Nader (1992), *Kurdish Ethnonationalism*, Boulder, London: Lynner Publisher.
- Gellner, E. (1993), *Nation and Nationalism*, Oxford: Blackwell.
- Hobsbawm, E. J. and T. Ranger (1983) *The Invention of Tradition*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Vali, A. (2005), *The Kurds and Their Others: Fragmented Identity and Fragmented Politics*, London: SAQE.
- Van der Veer Peter (1994), *Religious Nationalism; Hindus and Muslims in India* Berkeley, CA: University of California Press.